ضمیمه روزنامه خراسان
سلام زندگی
ZENDEGI-SALAM
•سه‌شنبه•۲۸ خرداد ۱۳۹۸•شماره ۱۳۴۷

دنیا به روایت تصویر

پی‌ای| گونه‌ای از حلزون برمودایی که برای جلوگیری از انقراض نسلش در باغ وحش نگهداری می‌شود، انگلستان

گاردین| تلاش برای به دست آوردن عسل وحشی در دامنه صخره‌ها، چین

گتی ایمیج| آب بازی بچه‌های حاشیه شهر مانیل، فیلیپین

حدیث روز

امام جواد(ع): هر کس کار زشتی را نیکو بداند، او هم در آن کار شریک است. **الفصول المهمه**

ذکر روز سه‌شنبه
صد مرتبه «یاارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

حق الناس قضا دارد

آیت ا... جوادی آملی می‌فرمایند: اگر کسی مسلمان شد، تا حالا نماز نخوانده بود، روزه نگرفته بود و واجبات را انجام نداده بود، الآن هیچ تکلیفی ندارد، قضایی نباید انجام بدهد... البته حقوق الهی، نه حق الناس. حق الناس سر جایش محفوظ است. اگر قبلا معامله‌ای کرده، نسیه کرده، به کسی بدهکار است، آن را باید بیاورد. برای این که آن را اسلام نیاورده. نماز و روزه‌ای که اسلام آورده -چون آشنا نبود- قضا ندارد، اما مال مردم را که باید بدهد.

در محضر آیت ا... جوادی

فرهنگ لقت!

کانادا

کشوری در آمریکای شمالی، یکی از مقاصد گردشگری در زمانی که مردم هنوز پول داشتند، یکی از مکان‌های پذیرش اقامت در زمانی که شرایط آسان بود و یکی از مهم‌ترین محل‌های متواری شدن در هنگام اختلاس. البته این روزها در حال تبدیل شدن به زایشگاه سلبریتی‌ها نیز هست.
تیم والیبال کانادا: کیسه بوکس ایرانیان که دق دلی‌شان را سرش خالی کردند. **نوشابه کانادا:** مفید برای تسریع هضم خوراکی‌ها، به خصوص مال مردم!

شعر طنز

فیش

عبدا... مقدمی

ای فیش! چرا عقب‌نشینی کردی؟
قوت همه را سیب‌زمینی کردی؟
سه وعده غذا خوردن ایرانی، به...
یک وعده رسانه‌ای و چینی کردی!

قرار مدار

اندکی صبر

پایان دنیا

فرهاد عطار حمیدی لنگرودی

هی! مرغِ دریایی!
غمت از چیست؟
تالاب بی‌ماهی؛
پایان دنیا نیست!

سه نقطه

دیزالو

داری با خودت چه کار می‌کنی؟

محمدعلی محمدپور| طنزپرداز

پس از آن که فراستی در برنامه هفت این هفته به فیلم «ما همه با هم هستیم» انتقادات تندی وارد کرد، کمال تبریزی که در زمینه مصاحبه کردن رکوردی بی‌نظیر را دارد ثبت می‌کند، این نقد را هم بی‌پاسخ نگذاشت و گفت: «از نظر من فراستی ام‌الفساد حوزه منتقدان است» البته وی به فساد خاصی اشاره نکرد. کمال تبریزی در ادامه گفت: «اصلا نباید از دستش ناراحت شوید، او یک آدم ریشو نامحترمی است» ما متوجه نشدیم نقد ایشان به ریشو بودنش چه ربطی داشت. یعنی الان اگر فراستی ریش نمی‌گذاشت و احیانا موهایش را مدل کچل‌طور انتخاب می‌کرد، موضوع فرق می‌کرد؟ آیا آن موقع آقای تبریزی نمی‌گفت این فراستی یک آدم کچل نامحترم است؟ البته کمال تبریزی درباره فیلم خودش چیزی نگفت اما گفت نقد فراستی نخ‌نما و کهنه است. یک مورد را که حتما باید در نظر بگیریم، این است که اگر فقط فراستی نظرش درباره فیلم‌های اخیر تبریزی این بود، باز یک حرفی، اما وقتی تقریبا همه دارند از این فیلم و چند فیلم اخیر تبریزی انتقاد می‌کنند بد نیست ایشان هم یک بار برود توی آینه به خودش نگاه کند و از خودش بپرسد: «داری با خودت چه کار می‌کنی؟» مسئولان صدا و سیما پس از نظرسنجی که ظاهرا از مردم درباره برنامه‌های ماه رمضان داشتند اعلام کردند مردم ۸۴ درصد بیننده برنامه‌های تلویزیون بوده‌اند و ۶۹ درصد حداقل یکی از برنامه‌ها را دنبال می‌کرده‌اند. به نظر ما سریال‌ها که واقعا عالی بودند. مثلا یکی‌شان بود که هر موقع ما از جلوی تلویزیون رد می‌شدیم این‌ها جلوی میدان تره‌بار معرکه گرفته بودند و داد و بیداد می‌کردند. فکر کنم سوالی هم که در این نظرسنجی‌ها طراحی کرده بودند این بود که آیا در ماه رمضان از جلوی تلویزیون حداقل یک بار رد شده‌اید که طبیعتا ۸۴ درصد حداقل یک بار رد شده بودند. تازه آن صحنه سریال شبکه یک که دختری با چادر توی آب افتاد و با لباسی کلاه‌دار که محکم بندش را گره زده بود آمد بیرون، هیچ وقت از جلوی چشمم کنار نمی‌رود!

تاپخند

- بعضی‌ها مثل آخر سس خرسی می‌مونن، فقط صدا می‌دن بدون این که بازدهی داشته باشن!
- مامانم منو می‌زد که صبحونه بخورم، همش با چشم گریون نون پنیر و چای شیرین می‌خوردم. یعنی الان چای شیرین می‌خورم ناخودآگاه بغض می‌کنم!
- وضعیت جوری شده که صد میلیون درآوردن سخته، ولی ارزش خاصی هم نداره!
- قیمت اصلاح سر یه جوری شده که من اگه ده سال کچل کنم و پولش رو پس‌انداز کنم بعدش می‌تونم یه هواپیما بخرم!
- وای بیسکویت افتاد توی چای. خدایا چرا همه این اتفاق بد واسه ما آدم خوبا می‌افته؟!
- من فکر نکنم هیچ وقت بتونم مربی تیمی بشم. تیمم گل بخوره اولین نفری که می‌خنده و دفاع و دروازه‌بان رو مسخره می‌کنه خودمم!
- بشر سال‌هاست دنبال اختراع ماشین زمانه، در حالی که ما پراید رو داریم و قبلا ثابت کرده فاصله بین این دنیا و اون دنیا رو در کمترین زمان ممکن طی می‌کنه!

دور دنیا

پیرمرد ۸۴ ساله‌ای که مدل شد

دیلی میل- این روزها به لطف اینستاگرام هر کسی می‌تواند در هر سن و سال یک مدل معروف شود. «سلور تتسویا» معلم بازنشسته ژاپنی که اینک ۸۴ ساله است، بدون هیچ پیش زمینه‌ای در دنیای مد، به لطف اینستاگرام و با کمک نوه‌اش به مدل معروفی تبدیل شده است. آرامش و اعتماد به نفس او در عکس‌هایش به گونه‌ای است که انگار سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند. نوه «سلور» که در ابتدا فقط با انگیزه سرگرمی لباس‌های خاصی به تن پدربزرگ خود می‌کرد و از او عکس می‌گرفت و در فضای مجازی منتشر می‌کرد، حتی تصورش را هم نمی‌کرد تا این حد معروف شوند. «سلور» با ۱۱۵ هزار فالوئر با برندهای معروفی مانند بربری و کنزو همکاری می‌کند.

روش جدید عکاسی

آرت اسپیس- هنرمند هلندی «برندنات اسمیلد» با کمک دستگاه بخار و کنترل دقیق دما و رطوبت، ابرهای کوچک و شگفت‌انگیزی در محیط‌های بسته می‌سازد و عکاسی می‌کند. به تازگی این هنرمند نمایشگاهی از آثارش برپا کرده که مورد توجه مردم و منتقدان قرار گرفته است. عمر این ابرها زیاد نیست و البته نورپردازی هم در طبیعی جلوه کردن آن‌ها بی‌تاثیر نیست. اولین بار که تصاویر این ابرها منتشر شد، مجله تایم در گزارشی از آن به عنوان یکی از بهترین اختراعات سال یاد کرد.

دیدنی‌ها

بشقاب‌های فانتزی جذاب برای کودکان

مادری استرالیایی نخستین بار در سال ۲۰۱۵ وقتی بشقاب غذای سالم کودک خود «جیکوب» را به شکل یک حیوان تزیین کرد، تصورش را هم نمی‌کرد مورد توجه فرزندش، رسانه‌های مجازی و برنامه‌های تلویزیونی قرار بگیرد. تصاویر غذاهای طراحی شده او به شکل شخصیت‌های شناخته‌شده کارتونی و فیلم‌ها، به سرعت پربازدید شد و این آغاز کار حرفه‌ای این هنرمند با عنوان «خوراکی‌های روزمره جیکوب» و همکاری او با شرکت‌های مشهوری همچون دیزنی و صنایع غذایی معروف بود. خوراکی‌های طراحی‌شده جیکوب، برای پدر و مادرها به منظور لذت بردن هرچه بیشتر کودکان از غذاهای روزانه‌شان بسیار الهام‌بخش بوده است. به گفته او، سیب‌زمینی پرکاربردترین ماده غذایی است که از آن استفاده می‌کند. این مادر که قبلا در رشته تجهیزات پزشکی کار می‌کرده است، اکنون با حرفه جدید و طراحی‌های هرروزه خود، پدران و مادران را به تهیه غذاهای سالم و خوش ظاهر برای فرزندان‌شان تشویق می‌کند.

منبع: yahoo lifestyle

تفأل

در خرابات مغان گر گذر افتد بازم
حاصل خرقه و سجاده روان در بازم
حلقه توبه گر امروز چو زهاد زنم
خازن میکده فردا نکند در بازم

افسانه های نوین

کارگر سختکوش و کارفرمای خوش خیال

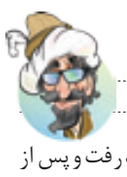

علکساندر کاربراتور| مورخ، مولف و عمود منصف

در زمان‌های قدیم، روزی کارگری به خدمت کارفرمای خود رفت و پس از تعظیم افزود: «قربان، اگر رخصت بدهید من امروز استعفا می‌کنم». کارفرما که در حال خوردن چای سبز بود، مانند سریال‌ها پقی داخل پیاله سرفه کرد و با تعجب رو به کارگر افزود: «چرا ای مرد سختکوش؟ تو که این‌جا به سختکوشی شهره هستی و کارگران دیگر حسرت سختکوشی تو را می‌خورند.» کارگر مجددا تعظیم نمود و افزود: «قربان، چندی است که هنگام قدم‌زدن در محوطه می‌بینم عده‌ای مشغول از زیر کار دررفتن هستند، عده‌ای مشغول غیبت کردن‌اند، گروهی گرد هم آمده‌اند و جوک و جفنگ می‌گویند، عده‌ای زیرآب می‌زنند و برخی زیرآبی می‌روند. به همین دلیل می‌خواهم استعفا کنم و به جایی روم و دست به کاری زنم که غصه سرآید.» رئیس لبخندی زد و افزود: «احسنت بر تو ای جوان سختکوش. ولی قبل از رفتن، فردا صبح یک کاسه را پر از آب کن و همان مسیر هر روزه‌ات را برو، به شرط این که حتی یک قطره آب هم بر زمین نریزد. آن‌گاه بیا پیش من تا استعفایت را قبول نمایم ای سختکوش.» فردا صبح کارگر سختکوش همان کرد و خدمت رئیس رسید. رئیس لبخندزنان افزود: «هان ای جوان سختکوش! حتما امروز که حواست به کار خودت بود، دیدی که نه کسی غیبت می‌کند، نه از زیر کار در می‌رود، نه چرت و پرت می‌گوید و همه سرشان به کار خودشان است؟» جوان تعظیمی کرد و افزود: «خیر قربان. امروز هم مثل دیروز و پریروز و پس‌پریروز و پسردیروز و پسون‌پسر پس‌پریروز و... » رئیس میان حرفش دوید و افزود: «لابد خوب حواست به کاسه دستت نبوده. فردا دو کاسه آب در دست بگیر و در محوطه قدم بزن بدون این که آبی بریزد و سبویی بشکند، ای سختکوش.»
فردا باز هم همان جریان دیروز رخ داد و جوان خدمت کارفرما رفت و پاسخ‌های دیروز را داد. این بار رئیس خشمگین شد و افزود: «پاشو با هم برویم. ای سختکوش ناقلا، یکی از آن کاسه‌ها را هم بده به من...» دو نفری کاسه به دست چرخی در محوطه زدند و رئیس با چشمانی در شرف افتادن بیرون از حدقه دید که هرچه جوان گفته درست است و کارگران حتی با دیدن رئیس هم سر کارشان نمی‌روند و باز هم مشغول زیر کار درروبی هستند. پس کارفرما و کارگر به اتاق مدیریت رفتند و رئیس رو به جوان افزود: «ای زحمتکش سختکوش، امروز تو مدیر کارگاه هستی. بقیه را اخراج کن و سختکوشانی شبیه خودت استخدام کن.» جوان خوشحال تعظیمی کرد و عقب عقب از اتاق خارج شد و مدتی بعد با دختر رئیس ازدواج کرد و تا آخر عمر به خوبی و خوشی زندگی نمودند.

نیم دقیقه ای

پدربزرگ درستکار!

آنتونی، پسربچه ۵ ساله، گریان به سمت مادرش دوید و گفت: «مامان مامان... بابا بزرگ زد تو گوشم!» مادر با تعجب نگاه کرد و گفت: «این حرفا درست نیست پسرم...» به پدربزرگ چشمکی زد و ادامه داد: «دروغ گفتن کار خوبی نیست، مگه نه بابا بزرگ؟» پدربزرگ با اخم آنتونی را نگاه کرد و گفت: «معلومه که کار زشتیه، اگه یه بار دیگه دروغ بگی بازم دوباره می‌زنمت!»

ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*دنیا به روایت تصویر دیروز خیلی زیبا بود. عکس ببر گوگولی چند روز پیش هم خیلی جالب بود.
*سودابه جانم، دختر خوبم، تولدت مبارک، امیدوارم همیشه کنار همسر و پسر نازت سلامت و موفق و شاد باشی. **مادرت عطیه**
*آخه یکی نیست به این علیخانی بگه تو که این قدر عشق حرف زدنی، پس چرا داور گذاشتی؟!
*۲۵ خرداد دکتر ناصر مکارم در صفحه همشهری سلام نوشته «هتلی که انجمن شهر پاریس شد»، این صحیح نیست. در زبان فرانسوی به شهرداری هر شهر می‌گویند: hoteldeville
*داوران فوتبال باید از داوران عصر جدید یاد بگیرند، باید رای شان مثبت باشه!
*آق کمال، شما واقعا می تونی به لهجه غیرمشهدی و رسمی هم حرف بزنی؟ جدی!
آق کمال: شما درباره من چی فکر کردین؟ بعله که متنُم!